

## نقش ایرانیان در دانش صحابه‌نگاری

قاسم خانجانی<sup>۱</sup>

محمد رضا هدایت پناه<sup>۲</sup>

### چکیده

دانش صحابه‌نگاری، یکی از حوزه‌های مهم معرفتی در میان علوم اسلامی، در کنار فقه و حدیث است که پیشینه‌ای بیش از ده قرن دارد و علمای جهان اسلام در طول این مدت، با عنایتی خاص که ناشی از تأثیر آن بر دیگر حوزه‌های معرفتی بوده است، بدان توجه نموده و با کوشش فراوان، با فراز و فرودهای این دانش، صدها کتاب درباره شناخت صحابه رسول الله ﷺ تدوین کرده‌اند. ایرانیان در این بخش از دانش علوم اسلامی، چنان تلاشی داشته‌اند که نسبت به دیگر اقوام و ملت‌های اسلامی، سهم بسیار قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند؛ تا جایی که برخی از صحابه‌نگاری‌های آنان، از منابع و مراجع اصلی دیگر صحابه‌نگاران به شمار می‌رود. آنان هم از جهت ساختار و هم از جهت محتوا، گام‌های مؤثری در پیشبرد این دانش برداشتند.

این نوشتار، بیانی است مختصر از نقش و تلاش علمی ایرانیان در دانش صحابه‌نگاری. هدف این نوشتار، طرح مسئله، معرفی آثار مهم ایرانیان و نقش آنان در دانش صحابه‌نگاری است. بدیهی است که توضیح درباره همه تألیفات آنان، در این مقاله امکان ندارد. بنابراین، تنها برای نزدیک شدن به هدفی که دنبال می‌شود، پس از ارائه فهرستی از

۱. استادیار گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (نویسنده مسؤل): [khanjani1342@yahoo.com](mailto:khanjani1342@yahoo.com)

۲. دانشیار گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: [Hedayatp@rihu.AC.IR](mailto:Hedayatp@rihu.AC.IR)

تاریخ دریافت: ۹۸/۹/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۱

صحابه‌نگاری‌های ایرانیان، به معرفی و توضیح مختصری درباره اسامی برخی از صحابه‌نگاران مشهور ایرانی و کتاب‌های آنان - که تأثیر قابل توجهی بر صحابه‌نگاری‌های پس از خود داشته‌اند - پرداخته خواهد شد.

### واژگان کلیدی

صحابه‌نگاری، صحابه‌نگاران ایرانی، صحابه‌نگاران خراسان، خاندان ابن منده، ابونعیم اصفهانی.

### مقدمه

تاریخ علم، یکی از موضوعات بسیار مهم و زنده دنیای امروز است که حداقل در بخش فرهنگ و تمدن، مهم‌ترین موضوع را به خود اختصاص داده است. هر قوم و ملتی نیز بدون توجه به هر گونه مذهب و آیینی، خواهان اثبات نقش تاریخی خود در علوم گوناگون هستند. این موضوع، از چنان اهمیتی برخوردار است که گاه بین دو ملت، درباره یکی از دانشمندان که نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در ظهور و یا پیشبرد یکی از علوم داشته است، نزاع و اختلاف وجود دارد و هریک، خواهان انتساب آن دانشمند به قوم و ملت خود هستند. از همین رو، گاه دست به تحریف تاریخ زده‌اند تا این افتخارات را به نام خود ثبت کنند.

دانش صحابه‌نگاری که به مباحث گوناگون در مورد شناخت صحابه رسول خدا ﷺ می‌پردازد، با قدمتی بیش از ده قرن و تألیف صدها کتاب، با اینکه از حساسیت و تأثیرگذاری ویژه‌ای در بین علوم اسلامی برخوردار است، اما فراز و فرود این دانش - نه فهرست کردن کتب صحابه‌نگاری - کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته و زاویه‌های پنهان آن، مورد مطالعه و بحث و تحقیق چندانی قرار نگرفته است.

این دانش، نقش کلیدی، مهم و تأثیرگذاری در ارتباط با دانش فقه و حدیث داشته و دارد و به همین سبب، صدها کتاب در زمینه صحابه رسول الله ﷺ به نگارش درآمده که گوید ای اهمیت آن است. عالمان ایرلندی، نقش و تأثیر مهم و بسزایی در گسترش این دانش داشته‌اند. هدف این نوشتار، نشان دادن نقش ایرانیان در دانش صحابه‌نگاری است. به همین مناسبت، اشاره به این نکته قابل توجه است که ایرانیان، نه تنها در دانش صحابه‌نگاری نقش تأثیرگذار بوده‌اند، بلکه بر اساس منابع کهن سیره، این افتخار را

داشته‌اند که سال‌ها پیش از سلمان فارسی، صحابی بزرگ، مشهور و بلندآوازه ایرلندی، در کنار پیامبر ﷺ در مکه و مدینه حضور داشته، به عنوان مسلمانان نخستین و به اصطلاح از «سابقین در اسلام» باشند.<sup>۱</sup> به جز سلمان که از سوی رسول خدا ﷺ به افتخار «سَلْمَانُ مِنَّا أَهْلِ الْبَيْتِ» نایل آمد، برخی دیگر از ایرانیان نیز از اصحاب خاص اهل بیت ﷺ بودند و برخی از آنان نیز به شهادت رسیدند و سند افتخار هر ایرلندی شدند. منابع صحابه‌نگاری، نزدیک به چهل نفر از اصحاب رسول خدا ﷺ را ایرانی معرفی کرده‌اند که به یقین تعداد آنان بیش از این بوده است و البته توضیح آن، مجال دیگری می‌طلبد.

پیش از ورود به بحث، تذکر این مطلب لازم است که منظور ما از ایران در این موضوع، گستره جغرافیایی قدیم است. به همین دلیل، چنانچه از خراسان سخن به میان آید، منظور خراسان قدیم است، نه خراسان فعلی که بخش کوچکی از آن سرزمین پهناور است؛ اما عراق، هرچند زیر سلطه و حکومت ایران بوده، اما در متون تاریخی قدیم، منطقه‌ای جدای از ایران شناخته می‌شده است.

### مقایسه صحابه‌نگاران ایرانی با مناطق دیگر

نهضت صحابه‌نگاری، از همان قرن اول هجری توانست همپای سیره‌نگاری و حدیث‌نگاری، جای خود را در میان علوم اسلامی باز کند؛ به‌گونه‌ای که پس از مدتی، شاخه بسیار مهمی از علم رجال به معنای عام آن شد. به جهت وابستگی بخش عظیمی از فقه، حدیث و تاریخ مسلمانان به روایت‌های صحابه، علمای بسیاری توان خود را صرف این دانش نوپا و مهم کردند و ده‌ها کتاب در این باره نوشتند.<sup>۲</sup> قدیمی‌ترین و نخستین کتاب

<sup>۱</sup>. به عنوان نمونه، می‌توان از «سعد بن خوله» از مسلمانان نخستین و مهاجران به حبشه نام برد و نیز از «رشید فارسی» که در جنگ بدر، دو نفر از کفار را کشت. همچنین، از زنی ایرانی یاد شده که در مدینه ساکن بوده و زمانی که سلمان در جست‌وجوی پیامبر ﷺ وارد مدینه شده، او را برای دیدن رسول خدا ﷺ راهنمایی کرده است. (ر.ک: واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۲۶۱؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۲، ص ۱۵۳؛ ابن اثیر، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۲، ص ۲۷۵ و ۴۲۷؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابة فی تمييز الصحابة، ج ۷، ص ۲۳۲؛ حلبی، السيرة الحلبیة، ج ۲، ص ۵۲۶)

<sup>۲</sup>. علمای بسیاری، اسامی اصحاب رسول خدا ﷺ را ثبت و ضبط کرده و شرح زندگانی آنان را نوشته‌اند. محقق الاصابة در مقدمه این کتاب می‌نویسد: «افراد بسیاری بوده‌اند که تا پیش از قرن هفتم (پیش از ابن اثیر و تألیف اسد الغابة)، درباره صحابه تألیفاتی داشته‌اند که برشمردن نام آنان، آسان نیست.» (ر.ک: ابن حجر عسقلانی، الاصابة، ج ۱، ص ۱۵۴) شیبانی در کتاب خود، یعنی معجم ما ألفت عن الصحابة و امهات المؤمنین، به بیش

صحابه‌نگاری در جهان اسلام، توسط یک عالم شیعی به نام عبیدالله بن ابی‌رافع، کاتب امیرمؤمنان علیه السلام نوشته شده است. این کتاب به نام تسمیة من شهد مع امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب حروبه الجمل و صفین و النهروان من الصحابة است که به آن، رجال ابن ابی‌رافع نیز گفته می‌شود.<sup>۱</sup>

تدوین صحابه‌نگاری، هم به دلیل وابستگی آن به رسول خدا صلی الله علیه و آله و هم به سبب پراکندگی صحابه در شهرها و کشورهای مختلف، در مناطق گوناگون گسترش و توسعه یافت. اهمیت این دانش نوپا، باعث شد که علمای جهان اسلام، از ایران و عراق و عربستان و شام تا مصر و مغرب و اندلس، به این دانش روی آوردند. توضیح و تبیین هرکدام از این عالمان، جایگاه مخصوص به خود را می‌طلبند.

در این میان، نقش دانشمندان ایرانی در تدوین صحابه‌نگاری، نقش کاملاً برجسته‌ای است و کتاب‌های آنان در این زمینه، از منابع مهم و تعیین‌کننده برای صحابه‌نگاران بعدی است؛ به‌خصوص سه منبع مهم و جامع این دانش، یعنی: *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب* تألیف ابن عبدالبر اندلسی، *اسدالغابة فی معرفة الصحابة* تألیف ابن اثیر جزیری و *الاصابة فی تمییز الصحابة* تألیف ابن حجر عسقلانی، بهره‌های بسیاری از صحابه‌نگاری‌های ایران برده‌اند.

شرح حال صحابه‌نگاران ایرانی و تحلیل و نقد و بررسی تفصیلی کتاب‌های آنان، در این مقاله مختصر نمی‌گنجد و باید در مجالی دیگر به تفصیل درباره آن بحث و تحقیق شود. متأسفانه، بیش از اینکه ما ایرانیان از شرح حال این دانشمندان و میراث فکری و تمدنی آنان آگاه باشیم، با اینکه برخی از پیشگامان این دانش از علمای بزرگ و مشهور شیعه هستند، اما چون بیشتر آنان از اهل سنت بوده‌اند، در خارج از مرزهای ایران بیشتر شناخته شده‌اند و دیگران آنان را از افتخارات خود به شمار می‌آورند؛ درحالی که آنان از پیشگامان خدمات متقابل ایرانیان به جهان اسلام و باعث پویایی و توسعه علوم اسلامی هستند. بعضی از آنان، از پیشوایان اهل سنت و از فقیهان و محدثان بزرگ بودند که کتاب‌ها و

از ۱۳۰۰ تصنیف خطی و چاپی، رساله‌های بزرگ و کوچک و مقاله و مجله درباره صحابه اشاره کرده است. همچنین، سخاوی در الاعلان بالتویخ لمن ذم اهل التاريخ و اکرم ضیاء عمری در کتاب بحوث فی تاریخ السنة المشرفة اسامی این کتاب‌ها را نوشته‌اند.

<sup>۱</sup>. طوسی، الفهرست، ص ۱۷۵.

سخنان آنان، میزان و ملاک برای دیگران است. مناسب است که با توجه به نویسندگان صحابه‌نگار و با یک نگاه توصیفی و آماری، به سیر تدوین دانش صحابه‌نگاری بپردازیم و از چند زاویه به این موضوع بنگریم تا جایگاه ایرانیان در مقایسه با صحابه‌نگاران دیگر مناطق جهان اسلام در بسط و گسترش و توسعه این دانش، بهتر روشن شود. البته این ارزیابی، بیشتر با توجه به کتاب‌های عمومی صحابه‌نگاری است؛ نه تک‌نگاری صحابه. در ادامه، از چند منظر به تبیین و مقایسه صحابه‌نگاران ایرانی با سایر مناطق می‌پردازیم:

### اول: صحابه‌نگاری از حیث مکانی

این موضوع می‌تواند پیام خاصی به ما ارائه نماید. از مجموع صحابه‌نگاران ده قرن، به طور تقریبی چنین آماری به دست می‌آید:

در قرن اول، به جز کتاب عبیدالله بن ابی‌رافع قبیطی تبار، کتابی در زمینه صحابه‌نگاری نداریم. از قرن دوم تا سوم، صحابه‌نگاری در ایران و عراق بیش از مناطق دیگر است؛ ایران هشت صحابه‌نگار، عراق نه صحابه‌نگار، حجاز دو نفر، شام نیز دو نفر و مغرب و مصر چهار نفر. مشهورترین صحابه‌نگاران ایرلندی این دو قرن، عبارت‌اند از: بخاری، محمد بن اسماعیل (د. ۲۵۶)، مسلم بن حجاج نیشابوری، عبدان مروزی ابومحمد عبدالله بن محمد بن عیسی (۲۲۰ - ۲۹۳)، ابن ابی‌خیثمه ایرانی تبار احمد بن زهیر بن حرب نسائی (د. ۲۷۹). در قرن چهارم، صحابه‌نگاری رشد بسیار چشمگیری یافت و این بار نیز سهم ایران و حوزه شرق، با تفاوت قابل توجهی نسبت به دیگر مناطق جهان اسلام بیشتر بوده است. در این قرن، ۱۷ صحابه‌نگار بزرگ و صاحب‌نام از ایران و یا ایرانی‌تبار دارای کتاب‌های مهم و اصلی در صحابه‌نگاری بودند. مهم‌ترین عامل اصلی توسعه و رشد صحابه‌نگاری در قرن چهارم، عبارت‌اند از:

### الف. تحول فرهنگی قرن چهارم و پنجم

در قرن چهارم و پنجم هجری، در جهان اسلام تحول عظیمی از جهت علمی روی داد که از آن به «رنسانس اسلامی» تعبیر می‌شود. این رویداد مهم، یک عامل عمومی به شمار می‌رود که علاوه بر حوزه صحابه‌نگاری، حوزه‌های گوناگون دیگر را نیز شامل می‌شود.

### ب. برآمدن دولت‌های شیعی

عامل خاص دیگر این قرن که صحابه‌نگاری را نیز متأثر کرده، روی کار آمدن دولت‌های شیعی از شرق تا غرب جهان اسلام است. این موضوع، یکی از عوامل مهم رشد و گسترش تشیع در این دو قرن بوده است؛ به طوری که از آن، به «قرن تشیع» یاد می‌شود و از خلافت اسلامی عباسیان، جز نام و رسمی باقی نمانده است (ر.ک: گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تاریخ تشیع، فصل ششم). موضوع یادشده، از آن جهت صحابه‌نگاری را تحت تأثیر خود قرار داد که بدانیم در مدت زمان چندین قرن، صحابه به عنوان نماد اهل تسنن شناخته شده است؛ همان‌گونه که اهل بیت علیهم‌السلام، شعار و نماد تشیع است. صرف نظر از این بحث عمیق که آیا چنین برداشتی صحیح است و واقعیت تاریخی همین را ثابت می‌کند یا خیر، نتیجه آن شد که با گسترش تشیع و ظهور شعائر و نمادهای تشیع در عراق - که مورخان سنی از این شعائر به «سب صحابه» تعبیر می‌کنند - اهل سنت برای مقابله با تشیع و نمادهای آن، به صحابه‌نگاری به دو گونه عمومی و فضایل‌نویسی صحابه روی آوردند.

در این قرن می‌توان از چند نفر صحابه‌نگار مشهور ایرانی نام برد: باوردی، ابومنصور محمد بن سعد (د. ۳۰۱)؛ بَعُوّی ایرانی تبار، ابوالقاسم عبدالله بن محمد بن عبدالعزیز بن مزربان بن شاپور بن شاهنشاه (د. ۳۱۷)؛ ابن شاهین خراسانی تبار ابوحفص، عمر بن احمد (د. ۳۸۵)؛ ابن حَبَّان بُسْتی، محمد بن حَبَّان (د. ۳۵۴)؛ ابن سَکَن ایرانی تبار، ابوعلی سعید بن عثمان بن سعید (د. ۳۵۳)؛ ابن عدی جرجانی (د. ۳۶۵)؛ ابن منده اصفهانی، ابو عبدالله محمد بن اسحاق بن یحیی بن منده (د. ۳۹۵)؛ طبرلندی اصفهانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد (د. ۳۶۰)؛ عسکری اهوازی، ابواحمد حسن بن عبدالله (د. ۳۸۲)؛ ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن بن محمد بن ادریس (د. ۳۲۷) و ابوجعفر طبری آملی، محمد بن جریر، مورخ مشهور و نویسنده تاریخ الامم والملوک (د. ۳۱۰).

پس از ایران، عراق با شش صحابه‌نگار، شامات سه نفر، مغرب و حجاز هرکدام یک نفر، در مرتبه‌های بعدی قرار دارند. در قرن پنجم همچون دوره‌های قبل، باز ایران با پنج نفر صحابه‌نگار، بیشترین سهم را دارد و مغرب‌زمین با سه نفر و حجاز با یک نفر، در

۱. برای آگاهی از این موضوع، ر.ک: هدایت‌پناه، «امویان، مبلغان تقابل صحابه و اهل بیت علیهم‌السلام»، فصلنامه شیعه‌شناسی، ش ۴۱.

رتبه‌های بعدی قرار دارند. مشهورترین صحابه‌نگاران ایرانی این قرن، عبارت‌اند از: ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (د. ۴۳۰)؛ شیرازی، یحیی بن یونس (د. ۴۳۲) و مستغفری، ابوالعباس جعفر بن محمد بن محمد بن معتز نسفی خراسانی (د. ۴۳۲).

در قرن ششم نیز باز سهم ایرانیان بیشتر از مناطق دیگر است. صحابه‌نگاران ایراندی در این قرن، همه اصفهانی هستند که عبارت‌اند از: سه نفر از خاندان ابن منده اصفهانی با نام‌های: ابوالقاسم عبدالرحمن بن محمد بن اسحاق بن محمد بن یحیی بن منده (د. ۴۷۰)؛ ابوزکریا بن منده، یحیی بن عبدالوهاب بن محمد عبدی اصفهانی (د. ۵۱۱) و ابوموسی مدینی، محمد بن عمر مدینی (مدینه جی) اصفهانی (۵۰۱ - ۵۸۱).

مغرب، سه نفر. اندلسی‌ها در این قرن، بیش از این سه نفر هستند؛ اما همه آنان جز ذیل‌هایی که بر *الاستیعاب* ابن عبدالبر اندلسی نگاشته‌اند، تألیف مستقل قابل توجهی نداشته‌اند. عراق دو نفر و شام یک نفر؛ یعنی ابن عساکر دمشقی، علی بن الحسن (د. ۶۲۰).

در قرن هفتم، مشهورترین کتاب جامع صحابه‌نگاری، از ابن اثیر جزیری به نام *اسد الغابه فی معرفه الصحابه* است. در قرن هشتم، مشهورترین کتاب صحابه‌نگاری از ذهبی با نام *تجرید اسماء الصحابه* است که البته تلخیص و مستدرکی بر *اسد الغابه* تألیف ابن اثیر است. در قرن نهم، بزرگ‌ترین و مشهورترین کتاب صحابه‌نگاری را ابن حجر عسقلانی با نام *الاصابه فی تمییز الصحابه* نوشت که می‌توان گفت ابن حجر با نوشتن این کتاب، پرونده صحابه‌نگاری را به صورت تخصصی و جامع بست و در قرن دهم، صحابه‌نگار مشهوری ظهور و بروز نکرد.

تحلیل این مسئله که چرا از قرن هفتم به بعد صحابه‌نگار مشهوری از ایران برخاست، شاید به دلیل اوضاع و شرایط خاص حاکم بر ایران و عراق بوده است که از جمله می‌توان به گسترش فعالیت اسماعیلیان در مرکز ایران و حمله گسترده و همه‌جانبه مغول اشاره کرد که خود بحث عمیق دیگری است و مجال دیگری می‌طلبد.

### دوم: صحابه‌نگاری از حیث موضوعی

می‌توان گفت که ایرانیان در موضوع عام و کلی صحابه‌نگاری، یعنی شرح حال تمامی صحابه که رکن و اساس دانش صحابه‌نگاری است، پیشگام هستند؛ اما از جهت

فضایل‌نگاری، منطقه شامات بیشترین سهم را دارد و قرن سوم تا پنجم که اوج مباحث کلامی - تاریخی است، بیشترین تألیفات را با موضوع فضایل‌نگاری صحابه، در خود جای داده است. از جهت صحابه‌نگاری محلی نیز شامات، عراق، مصر، ایران و یمن به ترتیب دارای سهم هستند.

### سوم: صحابه‌نگاری از حیث ساختار و مکتب

این جهت، بسیار مهم است و برای تبیین آن، توضیحات فراوانی لازم است که به‌طور کلی و خلاصه به آن اشاره می‌شود. صحابه‌نگاری‌ها از نظر ساختاری و سبک نگارش، به دو قسم «حدیثی» و «شرح‌حال‌نگاری» تقسیم می‌شوند. سبک تدوین صحابه‌نگاری‌ها به روش نخست، مربوط به قرن‌های ابتدایی و آغازین تدوین این دانش است که سبک و سیاق حدیثی، چنان بر آنها حاکم است که به‌ظاهر، تشخیص و تمیز دادن صحابه‌نگاری‌ها از کتاب‌های مسندنویسی و حدیثی با مشکل روبه‌روست. این سبک، کمتر صورت تراجم‌نویسی دارد. این سبک و ساختار که غالب صحابه‌نگاری‌ها را تا قرن پنجم شکل داده، بر اثر ضرورت‌هایی از جمله تعریف صحابه و راه‌های اثبات این موضوع بوده است. صحابه‌نگاری حدیثی، دارای محاسن و معایبی نیز هست که بحث آن در اینجا نیست؛ به‌طور مثال، کتابی مانند *المعجم الکبیر* طبرانی به‌ظاهر یک کتاب حدیثی و مسندنگاری است؛ اما موضوع اصلی آن، صحابه و احادیث آنان است.

بحث کلی دیگر درباره صحابه‌نگاری‌های ایرانیان، مکتب صحابه‌نگاری است. به‌طور کلی، مکتب صحابه‌نگاری به دو گونه «مکتب کلامی» و «مکتب تاریخی» تقسیم می‌شود. در مکتب کلامی، با توجه به جایگاه صحابه و تقدسی که برای آنان از حیث قانون «عدالت صحابه» تبیین شده است، بازتاب هرگونه گزارش و نقلی که این قانون را مخدوش کند، مشروع نیست و حتی احکام خاصی برای نقل آنها صادر شده است. در مقابل این دیدگاه افراطی، مکتب تاریخی است که اگرچه صحابه‌نگاران این مکتب نیز خود از اهل سنت هستند و برای صحابه چنین جایگاهی را معتقدند، اما چنین محدودیتی با این شدت را نیز برنتافته و نقل اخباری را که مشهور و از نظر تاریخی صحیح بوده، غیرمشروع ندانسته‌اند. البته در بین این گروه، به‌طور مطلق اخبار مربوط به صحابه گزارش نشده و کاتبان آنان در مواردی نیز به سانسور گزارش‌ها روی آورده‌اند که به‌عنوان نمونه، می‌توان به ابن‌عبدالبر



اندلسی اشاره کرد؛ چنان‌که از میان گروه نخست نیز برخی هستند که به ناچار بعضی اخبار را آورده‌اند؛ اما بلافاصله با توجیه‌های گوناگون، بر حفظ آن تقدس جایگاه و نگاه کلامی اهتمام داشته‌اند؛ مانند ابن حجر عسقلانی که در *الاصابه* چنین رویه‌ای دارد. با توجه به بررسی‌های انجام‌گرفته، صحابه‌نگاری ایرانی از حیث ساختاری، حدیثی است و از حیث محتوایی، کلامی است.

### ج. فهرست صحابه‌نگاران ایرانی و کتاب‌های آنان

#### ۱. صحابه‌نگاران خراسان

- *الطبقات* مسلم بن حجاج نیشابوری (د. ۲۶۱): محدث شهیر جهان اهل تسنن و نویسنده کتاب *صحیح مسلم* که پس از *صحیح بخاری*، مهم‌ترین کتاب حدیثی اهل سنت است.

- *الصحابة* ابن سیار مَرَوَزی (۱۹۷ - ۲۶۸)<sup>۱</sup>: ابوالحسن احمد بن سیار بن ایوب بن عبدالرحمن مروزی، زاهد و عابد و فقیه شافعی و پیشوای محدثان خراسان. وی برای کسب دانش به مصر، شام، حجاز، عراق، خراسان و نقاط دیگر سفر کرد و کتاب‌های شافعی را نوشت و فقه او را در خراسان ترویج نمود.<sup>۲</sup> تمام محدثان خراسان، از وی روایت کرده‌اند. وی در نیمه ربیع الآخر سال ۲۶۸ در سن هفتاد سالگی در مرو از دنیا رفت. کتاب *تاریخ مرو* و کتاب *فتوح خراسان* از اوست. ابن اثیر و ابن حجر، بارها از کتاب *الصحابه* او یاد کرده، مطالبی را از آن نقل نموده‌اند.<sup>۳</sup>

- *معرفة الصحابة* عبّان مَرَوَزی، ابومحمد عبدالله بن محمد بن عیسی (۲۲۰ - ۲۹۳): از صحابه‌نگاران مشهور که بسیار مورد توجه بوده است و صحابه‌نگاران متأخر، بسیار به کتاب او استناد کرده‌اند.

۱. شرح حال او را بنگرید: ابن حبان، کتاب الثقات، ج ۸، ص ۵۴؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد أو مدینة السلام، ج ۴، ص ۴۰۹؛ مزنی، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، ج ۱، ص ۳۲۳؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۶۰۹؛ ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۳۱.

۲. سمعانی، الانساب، ج ۲، ص ۹۸.

۳. ابن حجر عسقلانی، الاصابة فی تمییز الصحابة، ج ۱، ص ۳۰۱، ۴۶۹، ۶۶۷، ۶۶۹، ۷۰۱؛ همان، ج ۲، ص ۱۴۷ و ۱۶۷؛ همان، ج ۳، ص ۲۵۱؛ همان، ج ۴، ص ۴۲۲ و ۵۷۳؛ همان، ج ۵، ص ۲۴۳؛ همان، ج ۶، ص ۳۴۱.

## ۲۸۶ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال هفتم، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

- معرفة الصحابة ابومنصور باوردی (د. ۳۰۱): محمد بن سعد، معروف به باوردی، از صحابه نگاران مشهور است که توضیحاتی درباره او و کتابش خواهد آمد.
- الصحابة ابن الجارود، ابومحمد، عبدالله بن علی بن جارود نیشابوری (د. ۳۰۷ یا ۳۲۰).
- الصحابة ابن خزیمه نیشابوری (۲۲۳ - ۳۱۱): ابوبکر محمد بن اسحاق بن خزیمه بن مغیره بن صالح سلمی که نسخه‌ای از این کتاب، نزد مغلطای بوده و از آن در *الانابه* بهره برده است.
- معجم الصحابة بغوی (د. ۳۱۷): ابوالقاسم عبدالله بن محمد بن عبدالعزیز بن مرزبان بن شاپور بن شاهنشاه که توضیحاتی درباره او خواهد آمد.
- فضائل الصحابة دغولی، ابوالعباس، محمد بن عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله سرخسی (د. ۳۲۵).
- کتاب الصحابة ابن شاهین ابوحفص عمر بن احمد بن عثمان (۲۹۷ - ۳۸۵): توضیحاتی درباره او خواهد آمد.
- فضائل الخلفاء الأربعة، ابوبکر احمد بن اسحاق نیشابوی (د. ۳۴۲).
- تسمية من نزل خراسان من الصحابة ابو عبدالله الحافظ حاکم نیشابوری محمد بن عبدالله (د. ۴۰۵): این کتاب باید همان -تاریخ نیشابور یا بخشی از آن کتاب باشد. وی مؤلف کتاب بسیار مهم حدیثی، یعنی *المستدرک علی الصحیحین* است و به علت نقل فضایل اهل بیت علیهم السلام، به تشیع متهم شده است.
- فضائل الصحابة بیهقی شافعی، احمد بن حسین (۳۸۴ - ۴۵۸).

### ۲. صحابه نگاران اصفهان

- الصحابة قاضی ابو احمد، محمد بن احمد بن ابراهیم بن سلیمان بن عبدالله عَسَّال اصفهانی (۲۶۹ - ۳۴۹). وی در هشتم ذی حجه ۲۶۹ به دنیا آمد. پدرش (د. ۲۸۲) از تجار

۱. «باورد» همان «ایورد»، از شهرهای خراسان است که بین سرخس و نسا واقع است. (ر.ک: حموی، معجم البلدان، ماده «باورد»)

۲. ذهی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۴، ص ۵۵۸.

۳. حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۷۱۲؛ باشا البغدادی، هدیه العارفین، ج ۱، ص ۷۸.

۴. برای شرح حال او، ر.ک: خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۸۵؛ ابن ناصرالدین، توضیح المشتبه، ج

بزرگ بود و وقتی درگذشت، ثروت بسیاری برای فرزندان خود باقی گذاشت. بنابراین، عسّال از دانشمندان سرمایه‌دار اصفهان بود. او در کودکی، از پدر خود دانش فرا گرفت و سپس از علمای ری، همدان، خوزستان، کوفه، بصره، بغداد، واسط و حرّمین حدیث شنید. وی در زمان دولت آل بویه (زکّن الدین حسن بن بویه حاکم عراق عجم) قاضی اصفهان بود. سمعانی از او چنین یاد کرده است: «امام کبیر جلیل القدر احد ائمة الحدیث فهماً و اتقاناً و امانة.»<sup>۱</sup>

همچنین، ابن منده اصفهانی درباره او می‌نویسد: «من از هزار شیخ و استاد حدیث نوشتم؛ ولی هیچ‌کدام را چون ابواحمد عسّال نیافتم.»<sup>۲</sup>  
نقل سمعانی از ابن منده چنین است: «من شرق و غرب دنیا را گشتم و کسی مانند ابو احمد عسّال را ندیدم.»<sup>۳</sup>

این در حالی است که عسّال، حل برخی از مشکلات حدیثی خود را گاه از ابن منده جویا می‌شده است.<sup>۴</sup> ابونعیم اصفهانی نیز او را از بزرگان اهل سنت شمرده است.<sup>۵</sup>  
عسّال، در زمینه‌های گوناگون تألیفاتی سترگ داشت که برخی از آنها عبارت‌اند از: *التاریخ، المعجم، المعرفة فی السنة، کتاب المسند، کتاب غریب الحدیث، کتاب حروف القرئات، کتاب الرؤیة*. او در سن ۸۰ سالگی در رمضان سال ۳۴۹ درگذشت.  
- *معرفة الصحابة ابن منده اصفهانی* (د. ۳۵۹): توضیحات لازم درباره او خواهد آمد.  
- *معرفة الصحابة (المعجم الكبير)* طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد اصفهانی (د. ۳۶۰): این اثر، بیش از سی جلد است. وی دو کتاب دیگر با نام *المعجم الاوسط و المعجم الصغیر* نیز دارد.

۶. ص ۲۵۹؛ ذهبی، تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۸۸۶؛ همو، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۶؛ زرکلی، الاعلام، ج ۵، ص ۳۱۰. ذهبی گوید: «ابوموسی مدینی، شرح حال عسّال را در رساله‌ای مستقل نوشته و او آن را دیده است.» (همان‌جا) همچنین، ابونعیم اصفهانی در تاریخ اصبهان شرح حال او را آورده است. فرد مورد بحث، غیر از همشهری او محمد بن ابراهیم شیب اصفهانی استاد طبرانی است که در سال ۲۹۲ درگذشته است. (ر.ک: ابن ناصرالدین، توضیح المشته، ج ۶، ص ۲۵۸)

<sup>۱</sup>. سمعانی، الانساب، ج ۴، ص ۱۸۹.

<sup>۲</sup>. ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۴، ص ۱۳۰.

<sup>۳</sup>. سمعانی، الانساب، ج ۴، ص ۱۸۹.

<sup>۴</sup>. ر.ک: شرح حال ابن منده در همین مقاله.

<sup>۵</sup>. ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۴، ص ۱۳۱.

- معجم الصحابة ذکوانی، ابوبکر محمد بن ابی علی احمد بن عبدالرحمن اصبهانی (۳۳۳ - ۴۱۹).

- معرفة الصحابة ابونعیم اصبهانی، احمد بن عبدالله (د. ۴۳۰): درباره آن توضیحاتی در ادامه خواهد آمد.

- المستخرج للتذکرة فی جملة من روى من الصحابة حديث ليلة القدر ابوالقاسم عبدالرحمن بن محمد بن اسحاق بن محمد بن یحیی بن منده (د. ۴۷۰).

- ذیل معرفة الصحابة ابوزکریا بن منده (د. ۵۱۱): یکی از علمای خاندان ابن منده، ابوزکریا بن منده، یحیی بن عبدالوهاب بن محمد عبدی اصبهانی است. کتاب او به عنوان ذیلی بر کتاب معرفة الصحابة جدش ابن منده است. کتاب دیگر او در زمینه صحابه‌نگاری، من عاش من الصحابة مائة و عشرين نام دارد.

### ۳. صحابه‌نگاران شرق و جنوب شرقی ایران

- معجم الصحابة ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی (د. ۲۷۵): نویسنده کتاب معروف سنن ابوداود که از صحاح سته اهل سنت است.

- تسمیة اصحاب رسول الله ﷺ ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره (د. ۲۷۹): مؤلف سنن ترمذی است که از کتاب‌های مهم و مشهور حدیثی اهل سنت و از صحاح سته است.

- معجم الصحابة یا التاریخ ابن ابی خیثمه (۱۸۵-۲۷۹): ابوبکر ابن ابی خیثمه، احمد بن زهیر بن حرب بن شداد (مغرب اشتال). اصل او، نسائی و ایرانی است؛ ولی در بغداد متولد شد. او فقیهی است که حدیث را از یحیی بن معین و احمد بن حنبل، و تبارشناسی را از مصعب بن عبدالله زبیری، و تاریخ را از ابوالحسن مدائنی، و ادبیات را از ابن سلّام فرا گرفت. پسرش محمد (م ۲۹۲) نیز از محدثان بزرگی است.<sup>۱</sup> ابن ابی خیثمه در تصنیف کتاب التاریخ خود، از پسر دانشمندش محمد کمک گرفته است.<sup>۲</sup> او در جمادی الأولى سال ۲۷۹ در سن

<sup>۱</sup>. شیبانی، معجم ما الف فی الصحابة، ص ۶۸. برای دیدن شرح حال او، ر.ک: ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۸۶؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۳۸۴؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۴۹۲؛ ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۷۴؛ صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۲۳۲؛ زرکلی، الاعلام، ج ۱، ص ۱۲۸.

<sup>۲</sup>. برای دیدن شرح حال او، ر.ک: خطیب بغدادی، الرحلة فی طلب الحدیث، ج ۱، ص ۳۲۰؛ ذهبی، تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۷۴۲.

<sup>۳</sup>. خطیب بغدادی، الرحلة فی طلب الحدیث، ج ۱، ص ۳۲۰.

۹۴ سالگی در بغداد درگذشت. کتاب او که تعداد بسیاری از اصحاب رسول خدا ﷺ را برشمرده، *التاریخ الکبیر* است. مغلطای از کتاب دیگر او، یعنی *التاریخ الاوسط* نیز نام برده است.<sup>۱</sup>

- *فضائل الصحابة نسائی*، احمد بن شعیب (د. ۳۰۳): محدث شهیر خراسانی اهل سنت که *کتاب السنن* او از صحاح سته و کتاب دیگر وی به نام *خصائص امیر المؤمنین* مشهور است.

- *الصحابة ابوبکر بن ابی داود سجستانی عبدالله بن سلیمان* (د. ۳۱۶).

#### ۴. صحابه‌نگاران شمال ایران

- *معجم الصحابة اسماعیلی جرجانی* (۲۷۷ - ۳۷۱)<sup>۲</sup>: ابوبکر احمد بن ابراهیم بن اسماعیل بن عباس جرجانی. او در سال ۲۷۷ به دنیا آمد و هنوز بیش از شش سال نداشت که نوشتن حدیث را آغاز کرد.<sup>۳</sup> در سال ۲۸۹ (هیجده سالگی)، برای کسب علم به خراسان، ایالت جبال، حجاز و عراق سفر کرد و در *معجم الشیوخ* خود از سیصد نفر نام برده است. وی به مرتبه‌ای از دانش فقه و حدیث رسید که او را یگانه دوران و استاد فقها و محدثان و حتی برتر از بخاری شمرده‌اند؛ چنان‌که بر دیگران لازم است از او پیروی کنند. از این رو، ذهبی با عظمت تمام از اسماعیلی به «امام، شیخ الاسلام، شیخ الشافعیه و صاحب الصحیح» وصف کرده است.<sup>۴</sup> مسجدی در جرجان، به نام اوست. اسماعیلی در رجب ۳۷۱، در سن ۹۴ سالگی درگذشت.<sup>۵</sup> تألیفات او عبارت‌اند از: *التاریخ، الصحیح، المسند، معجم الشیوخ*،<sup>۶</sup> *معجم الصحابة*.<sup>۷</sup> ابن حجر بارها از این کتاب نام برده است.<sup>۸</sup>

<sup>۱</sup>. مغلطای، *اکمال تهذیب الکمال*، ج ۱، ص ۱۴ و ۳۱۴؛ همان، ج ۲، ص ۵۵، ۲۵۸ و ۲۸۸.

<sup>۲</sup>. برای دیدن شرح حال او، ر.ک: سهمی، *تاریخ جرجان*، ص ۱۰۸.

<sup>۳</sup>. ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱۶، ص ۲۹۵.

<sup>۴</sup>. همان، ص ۲۹۲ - ۲۹۶.

<sup>۵</sup>. ابن جوزی، *المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک*، ج ۱۴، ص ۲۸۲؛ ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱۶، ص ۲۹۶.

<sup>۶</sup>. ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱۶، ص ۲۹۶؛ حاجی خلیفه، *کشف الظنون*، ج ۲، ص ۱۷۳۵.

<sup>۷</sup>. حاجی خلیفه، *کشف الظنون*، ج ۲، ص ۱۷۳۵.

<sup>۸</sup>. برای نمونه، ر.ک: ابن حجر، *الاصابة*، ج ۳، ص ۵۰۴؛ ج ۴، ص ۴۷۰؛ ج ۶، ص ۴۱۳؛ زرکلی از این کتاب نام برده و پس از شمردن کتاب های اسماعیلی از جمله تاریخ بیان داشته که تمام آنها حدیثی است، ر.ک: زرکلی،

## ۲۹۰ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال هفتم، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

- *اسماء الصحابة* ابواحمد عبدالله بن عدی جرجانی (د. ۳۶۵): وی از برجسته‌ترین علمای رجال و جرح و تعدیل است. کتاب بسیار مهم او در این زمینه، *الکامل فی الضعفاء* است که به کامل ابن عدی مشهور است. شیبانی، از صحابه‌نگاری او نام برده است.<sup>۱</sup>  
- *الصحابه رویانی*، ابوبکر محمد بن هارون رویانی رازی آملی طبری (د. ۳۰۷).  
- *ذیل المنزیل ابوجعفر محمد بن جریر طبری* (د. ۳۱۰): مورخ مشهور و مؤلف *تاریخ الأمم والملوک* معروف به *تاریخ الطبری*.  
- *فضائل الصحابة* دیلمی، ابوالقاسم عمر بن علی (د. ؟).<sup>۲</sup>

### ۵. صحابه‌نگاران مرکز ایران و ایالت جبال

- *معجم الصحابة (المسند)* ابوزرعه رازی (د. ۲۶۴): سه نفر به ابوزرعه شناخته می‌شوند. مشهورترین آنان، همین شخص مورد بحث، یعنی عبیدالله بن عبدالکریم بن یزید بن فروح رازی است. تولدش حدود سال دویست بوده و بزرگان اهل سنت در وصفش تعابیر بلندی به کار برده و او را امام سرزمین خراسان شمرده‌اند. مسلم، نسائی، ترمذی، ابن ماجه و بسیاری دیگر از علمای اهل سنت، از او روایت کرده‌اند. در مقام حدیثی او همین بس که گفته شده هر حدیثی که نزد ابوزرعه نباشد، اصلی ندارد و از افرادی که از ری و خراسان برای کسب دانش و حدیث به مناطق دیگر می‌رفتند، مورد تعجب و سرزنش علمای آن مناطق قرار می‌گرفتند که با وجود ابوزرعه، چرا به نقاط دیگر سفر می‌کنند! نجاشی از کتاب دیگر ابوزرعه، به عنوان ذکر من روی عن جعفر بن محمد رضی الله عنه من التابعین و من قاربهم نام برده است.<sup>۳</sup>

- *معجم الصحابة* ابوحاتم رازی، محمد بن ادريس (د. ۲۷۵): از علمای برجسته علم رجال و جرح و تعدیل که گفته‌های او و پسرش، مرجع و مستند ارزش‌گذاری رجال و راویان است.

الاعلام، ج ۱، ص ۸۶.

<sup>۱</sup> شیبانی، معجم ما الف عن الصحابة، ص ۴۳.

<sup>۲</sup> حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۲۷۶.

<sup>۳</sup> ر.ک: نجاشی، رجال النجاشی، ص ۱۰؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۳۳۰؛ مزی، اکمال تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، ج ۱۹، ص ۸۹؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۶۵؛ همو، تاریخ الاسلام، ج ۱۰، ص ۱۲۴؛ صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱۹، ص ۲۵۵.

- کتاب الصحابه عسکری (م ۳۰۰ یا ۳۰۵): ایشان غیر از ابواحمد عسکری خوزستانی است که در ادامه خواهد آمد. وی ابوالحسن علی بن سعید، از عسکر سامرا و از حافظان حدیث است. عسکری در سال ۲۵۰ وارد ایران شد و به مدت طولانی در ری ساکن شد. از این رو، به رازی نیز ملقب بود. او به گرگان مسافرت کرد و به سال ۲۹۸ به اصفهان رفت و از آنجا عازم نیشابور شد و در سال ۳۰۰ در همانجا و یا در ری درگذشت. کتاب او مورد استفاده ابن حجر در الاصابه بوده و از آن با تعبیر «ذکره علی بن سعید العسکری فی الصحابه» یاد می‌کند.<sup>۱</sup>

- کتاب المصاییح شیخ صدوق (د. ۳۸۱): محدث شهیر شیعه، محمد بن علی بن بابویه قمی. این کتاب، به فصل‌ها و به تعبیر مؤلف، مصاییح گوناگونی تقسیم شده است. مصباح اول، به بیان رجال صحابه پرداخته و مصباح دوم، به نساء صحابه که از پیامبر ﷺ روایت کرده‌اند، اختصاص یافته است.<sup>۲</sup> صحابه‌نگاری دیگر شیخ صدوق، کتاب الرجال المختارین من اصحاب النبی ﷺ است.<sup>۳</sup>

- کتاب الصحابه ابن ابی حاتم رازی، ابومحمد عبدالرحمن بن محمد بن ادريس (د. ۳۲۷): وی نویسنده الجرح والتعديل، کتاب بسیار مهم و مرجع درباره جرح و تعدیل راویان است. پدر وی نیز از علمای برجسته این رشته بوده و پسرش در این کتاب، دیدگاه‌های پدر خود را درباره راویان نقل کرده است.

- معجم الصحابه ابن لال شافعی، ابوبکر احمد بن علی بن احمد بن محمد رودراوری<sup>۴</sup> همدانی (۳۰۸-۳۹۸).

<sup>۱</sup> ر.ک: سهمی، تاریخ جرجان، ص ۳۰۳؛ ابوالشیخ انصاری، طبقات المحدثین باصبهان و الواردین علیها، ج ۳، ص ۵۵۹؛ ابونعیم اصفهانی، ذکر اخبار اصبهان، ج ۲، ص ۱۲؛ سمعانی، الانساب، ج ۴، ص ۱۹۵؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۴، ص ۴۶۳؛ صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۲۱، ص ۹۲؛ کحاله، معجم المؤلفین، ج ۷، ص ۹۹؛ زرکلی، الاعلام، ج ۴، ص ۲۹۱.

<sup>۲</sup> نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۹۰.

<sup>۳</sup> همان.

<sup>۴</sup> «رودراور»، همان رودراور است که میان آن و همدان و نهاوند، هفت فرسخ فاصله است و یا ۲۷ میل با همدان فاصله دارد. (ر.ک: حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۷۸؛ سمعانی، الانساب، ج ۳، ص ۱۰۱؛ برای آگاهی بیشتر، ر.ک: دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۸، ص ۱۰۸۶۱ و ۱۰۸۶۸، ماده «رودآور» و «رودراور»)

### ۶. صحابه نگاران شیراز (فارس)

- کتاب الصحابة ابو عثمان سراج سعید بن یعقوب بن سعید سراج قرشی شیرازی (زنده در حدود سال ۳۱۰).<sup>۱</sup>  
- المصابیح فی معرفة الصحابة شیرازی، یحیی بن یونس (د. ۴۳۲).<sup>۲</sup>

### ۷. صحابه نگاران خوزستان

- تاریخ (یا معرفة) الصحابة ابواحمد عسکری (۲۹۳ - ۳۸۲): ابواحمد حسن بن عبدالله بن سعید بن اسماعیل بن زید بن حکیم فقیه، محدث و ادیب خوزستان، منسوب به عسکر مکرّم؛ شهری نزدیک اهواز<sup>۳</sup> که در آنجا، در ۱۶ شوال سال ۲۹۳ به دنیا آمد. وی دایی ابوهلال عسکری حسن بن عبدالله بن سهل (د. ۳۹۵) است. او دانشمندی متبحر در علوم مختلف و نویسنده‌ای توانا و باذوق بوده است. شهرت علمی او، فراگیر و کرسی درس وی، در شهرهای خوزستان، به خصوص عسکر مکرّم و شوشتر برقرار بود و علمای بزرگی برای استفاده علمی از او، به آنجا سفر می‌کردند.<sup>۴</sup> وی یکی از مشایخ شیخ صدوق است<sup>۵</sup> و شیخ صدوق برای شرح و توضیح معانی برخی از روایات، از جمله روایت وصف رسول الله ﷺ به «فخما مفخما» که هند بن ابی‌هاله بیان کرده<sup>۶</sup> و نیز خطبه شقشقیه<sup>۷</sup>، از او پرسیده است. این کثیر او را به گرایش مذهب اعتزال وصف کرده است.<sup>۸</sup> صاحب بن عباد، در زمان وزارت آل بویه بسیار دوست داشت تا با او دیداری داشته باشد و بدین منظور، به عسکر مکرّم رفت و انتظار داشت تا عسکری نزد او بیاید؛ ولی چون نیامد، صاحب با اشعاری این

<sup>۱</sup> برای شرح حال او، ر.ک: ابونعیم اصفهانی، ذکر اخبار اصیبهان، ج ۱، ص ۳۳۰؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۲۳، ص ۳۱۲.

<sup>۲</sup> شیبانی، معجم ما الف عن الصحابة، ص ۲۱۳.

<sup>۳</sup> ر.ک: حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۲۳.

<sup>۴</sup> ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۴۱۳؛ ابن خلکان، وفیات الاعیان، ج ۲، ص ۸۳؛ زرکلی، الاعلام، ج ۲، ص ۱۹۶.

<sup>۵</sup> برای نمونه ر.ک: صدوق، معانی الاخبار، ص ۹۰؛ همو، الامالی، ص ۵۰؛ همو، الخصال، ص ۶۵؛ همو، التوحید، ص ۲۸؛ همو، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۴۵؛ همو، التوحید، ج ۱، ص ۱۸۹.

<sup>۶</sup> همو، معانی الاخبار، ص ۸۴.

<sup>۷</sup> همان، ص ۳۶۲.

<sup>۸</sup> ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۱۱، ص ۳۵۶ و ۳۶۷.



بی‌توجهی او را خاطر نشان کرد و عسکری با همان نثر، اشعاری در پاسخ او نوشت و صاحب را از توانایی ادبی خود، شگفت‌زده کرد. صفدی گوید: «عسکری دانست که با این اشعار نمی‌تواند این بی‌توجهی را توجیه کند. از این‌رو، برخاست و به نزد او رفت و صاحب او را بسیار احترام کرد.»<sup>۱</sup> عسکری در روز جمعه هفتم ذی‌حجه (مطابق گفته ابن‌اثیر، روز نهم ذی‌حجه: ابن‌اثیر، ۱۳۹۹ق، ج ۹: ۱۳۷) سال ۳۸۲ درگذشت و صاحب بن‌عباد، در سوگ او اشعاری سرود. عسکری دارای تألیفاتی است که از جمله آنها *تاریخ الصحابة* است که مغلطای از آن با دو عنوان نام برده است.<sup>۲</sup> محقق کتاب *الاصابه* در مقدمه بیان کرده که این کتاب، بر اساس نام‌های قبیله‌ها دسته‌بندی و مرتب شده است.<sup>۳</sup> کتانی نیز از این کتاب نام برده؛ ولی هیچ‌گونه نسخه‌ای خطی برای آن ذکر نکرده است.<sup>۴</sup>

### معرفی چند کتاب مهم صحابه‌نگاری ایرانی

شناخت صحابه‌نگاران ایرانی و کتاب‌های آنان در زمینه صحابه‌شناسی و انواع مباحثی که پیرامون آنها قابل طرح و پیگیری است، به یقین در این مجال اندک نمی‌گنجد. تنها برای اشاره به نقش و اهمیت کتاب‌های آنان در صحابه‌نگاری، به چند کتاب به اختصار پرداخته می‌شود.

#### ۱. *معرفة الصحابة باوردی* (د. ۳۰۱)

درباره ابومنصور، محمد بن سعد باوردی، اطلاعات کمی موجود است. وی از اهالی «ابی‌ورد» از شهرهای خراسان است که به بین سرخس و نسا واقع است.<sup>۵</sup> باوردی، از صحابه‌نگاران متقدم و مشهور است. وی شاگرد صحابه‌نگار مشهور عراق، یعنی مطین بوده و از او در صحابه‌نگاری خود بهره برده است.<sup>۶</sup> ابن‌حجر در بیان این رابطه علمی، از باوردی

۱. صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱۲، ص ۵۰.

۲. مغلطای، اکمال تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، ج ۲، ص ۲۲۶، ۲۴۲، ۲۸۹، ۳۱۱ و ۳۸۱.

۳. ابن‌حجر عسقلانی، الاصابة، ج ۱، ص ۸۱.

۴. ر.ک: شبانی، معجم ما الف عن الصحابة، ص ۲۱۹؛ باشا، هدیة العارفين، ج ۱، ص ۲۷۲؛ کحاله، معجم المؤلفین، ج ۳، ص ۲۳۹؛ البان سرکیس، معجم المطبوعات العربية، ج ۱، ص ۱۳۲۷.

۵. حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۳۳.

۶. برای نمونه، ر.ک: ابن‌حجر عسقلانی، الاصابة، ج ۱، ص ۴۹۹؛ همان، ج ۲، ص ۱۰۷؛ همان، ج ۳، ص ۱۴۰؛ همان، ج ۴، ص ۲۶۱؛ همان، ج ۵، ص ۱۷۷؛ همان، ج ۶، ص ۳۲ و ۶۲؛ همان، ج ۷، ص ۵۸؛ همان، ج ۸، ص

به «صاحبه» که نشان از ملازمت بسیار شاگرد با استاد دارد، تعبیر کرده است.<sup>۱</sup> باوردی در مصر، ملازم فقیه شافعی بلندآوازه ابن الحداد بود و با او مذاکره حدیث می‌کرد و مورد تحسین ابن الحداد واقع شد.<sup>۲</sup> او در مصر حضور داشته و ابو عبدالله بن منده، از او روایت شنیده است.<sup>۳</sup>

از شاگردان دیگر او، ابن عدی جرجانی، رجالی معروف و مؤلف کتاب مشهور *الکامل فی الضعفاء* است.<sup>۴</sup> ابونعیم و ابن عدی در *الکامل*، از او روایت کرده‌اند.<sup>۵</sup>

مهم‌ترین ویژگی کتاب باوردی، این است که وی از کتاب «تسمیه...» عیب‌دالله بن ابی‌رافع بهره برده است؛ به‌گونه‌ای که یکی از منابع دستیابی به این کتاب بسیار ارزشمند کهن شیعی، *معرفه الصحابه* باوردی است.<sup>۶</sup> غالباً باوردی از نویسنده کتاب، با نام عیب‌دالله بن ابی‌رافع یاد کرده؛<sup>۷</sup> ولی در یک مورد، به عبدالله بن ابی‌رافع<sup>۸</sup> و در مورد دیگر، به ابی‌رافع تعبیر نموده<sup>۹</sup> که آشکار است به دلیل تصحیف و اختصار بوده است. در یک مورد نیز بدون نام عیب‌دالله و کتابش<sup>۱۰</sup> از صحابی شرکت‌کننده در صفین نام برده؛ ولی با توجه به موارد دیگر، آشکار است که منبع باوردی، جز تسمیه ابن ابی‌رافع کتاب دیگری نبوده است.

بیشتر موارد چنین است که تنها اشاره کرده که «فیمین شهد صفین»؛ ولی در یک مورد آمده است: «فیمین شهد صفین من البدریین.»<sup>۱۱</sup> این اشاره می‌تواند حاکی از برشمردن گروه‌های مختلف صحابی حاضر در صفین، در کتاب ابن ابی‌رافع باشد که منابع دیگر به آن اشاره و یا تصریح کرده‌اند.

۵۸

۱. «فرق مطین و صاحبه الباوردی و صاحبه ابن منده بینهما.» (ابن حجر عسقلانی، *الاصابة*، ج ۵، ص ۱۷۷)
۲. ذهبی، *سیر الاعلام النبلاء*، ج ۱۵، ص ۴۴۹.
۳. ابن النجار بغدادی، *ذیل تاریخ بغداد*، ج ۱، ص ۲۲۰؛ ابن صلاح، *مقدمة ابن الصلاح فی علوم الحدیث*، ص ۳۶.
۴. ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۷، ص ۱۳۹.
۵. همان، ج ۱، ص ۱۳۸.
۶. ر.ک: ابن عبدالبر، *الاستیعاب*، ج ۴، ص ۱۷۱۲.
۷. ابن حجر عسقلانی، *الاصابة*، ج ۳، ص ۴۳۲؛ همان، ج ۴، ص ۳۲۹، ۴۰۵، ۴۳۱، ۴۹۷، ۵۹۲ و ۶۰۱؛ همان، ج ۵، ص ۴۴۷؛ همان، ج ۶، ص ۱۷۷.
۸. ابن عبدالبر، *الاستیعاب*، ج ۴، ص ۱۷۱۲؛ ابن حجر عسقلانی، *الاصابة*، ج ۲، ص ۱۲۰.
۹. ابن حجر عسقلانی، *الاصابة*، ج ۴، ص ۲۵۴.
۱۰. همان، ص ۴۳۱.
۱۱. همان، ص ۴۹۷.

به نظر می‌رسد که باوردی با یک اسناد، به کتاب ابن ابی‌رافع دسترسی داشته است؛ چنان‌که ابن حجر بیان می‌کند: «اخرج بسنده المتكرر لای عیب دالله بن ابی‌رافع.»<sup>۱</sup> در هیچ موردی ابن حجر به طریق باوردی تا عبیدالله بن ابی‌رافع اشاره نکرده است؛ جز در یک مورد که تصریح کرده راوی کتاب، محمد پسر عبیدالله بوده است. با این حال، در مواردی ابن حجر اسناد باوردی را ضعیف توصیف کرده است.<sup>۲</sup> به نظر می‌رسد که علت این تضعیف، چیزی جز تشیع راوی نبوده است. این مطلب به خوبی نشان می‌دهد که تصور استناد باوردی به کتاب عبیدالله بن ابی‌رافع، از طریق استاد خود مَطِیْن<sup>۳</sup> (ابوجعفر محمد بن عبدالله بن سلیمان خَضْرَمی کوفی (۲۰۲ - ۲۹۷ مؤلف کتاب الصحابه) نبوده است؛ وگرنه ابن حجر طریق او را تضعیف نمی‌کرد.

### روش و سبک باوردی

باوردی نیز چون استاد خود، مَطِیْن، سعی می‌کند تا صحابی بودن افراد به روایتی از رسول خدا ﷺ مستند باشد و چنانچه کسی به عنوان صحابی شمرده شده و باوردی این مطلب را نپذیرفته، با بیان «یقال» از آن تعبیر نموده و نیز مواردی که از رسول خدا ﷺ روایتی ندارد، بلکه تنها از یکی از صحابه روایت دارد، آن را به نقد کشیده است.<sup>۴</sup> این گونه، وی تمایل خود را به مستند بودن صحابی با روایت از رسول خدا ﷺ نشان داده است. البته از دیگر اخباری که به صحابی بودن او شهادت دهد، غافل نیست. وی در بحث صحابه‌نگاری، علاوه بر مَطِیْن، از مشایخ حدیثی متعدد بهره برده و در موارد قابل توجه، اسناد او مستقل از دیگران بوده و منبع اصلی برای دیگر صحابه‌نگاران است. بنا بر گزارش دیگری که ابن حجر ارائه داده، باوردی همانند بعضی دیگر از صحابه‌نگاران، مطلب و روایتی که بر صحابی بودن برخی دلالت داشته باشد، نیاورده است.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup>. همان، ص ۵۹۲ و ۶۰۱.

<sup>۲</sup>. برای نمونه، رک: همان، ج ۱، ص ۴۱۹؛ همان، ج ۴، ص ۴۳۱ و ۴۹۷؛ همان، ج ۶، ص ۱۷۷.

<sup>۳</sup>. برای آگاهی از ضبط این کلمه، رک: سمعانی، الأنساب، ج ۵، ص ۳۲۹. ابن ناصرالدین یادآوری می‌کند که: «چنانچه این نام، به صورت فاعلی (مَطِیْن) خوانده شود، او عبدالله بن محمد، استاد ابن منده خواهد بود.» (ابن ناصرالدین، توضیح المشتبه، ج ۸، ص ۱۹۰)

<sup>۴</sup>. ابن حجر عسقلانی، الاصابة، ج ۱، ص ۲۳۲.

<sup>۵</sup>. «ذکره البوردی فی الصحابه و لم یذکر ما یدل علی ان له صحبة.» (رک: همان، ج ۲، ص ۴۱۸)

### کتاب باوردی، منبع صحابه نگاران

کتاب باوردی نزد برخی صحابه نگاران مشهور بوده است. ابن منده که به «صاحب البوردی» از او یاد شده بدیهی است که در معرفه الصحابه خود از کتاب باوردی بس یار بهره برده باشد.<sup>۱</sup>

همچنین از دیگر صحابه نگاران بعدی و حتی اندکی پس از باوردی می توان از ابن سکن در کتابش به نام الحروف بالصحابه نام برد که نسخه ای از کتاب باوردی نزد او بوده است.<sup>۲</sup> صحابه نگار مشهور اندلسی، یعنی ابن عبدالبر، صاحب کتاب الاستیعاب نیز تکه هایی هر چند اندک (۶ مورد!) از کتاب باوردی را نقل کرده است.<sup>۳</sup> همچنین، این کتاب نزد مغلطای بوده و از آن با عنوان معرفه الصحابه یاد کرده است.<sup>۴</sup>

با کمال تعجب، ابن اثیر در اسد الغابه توجهی به باوردی نکرده است. دلیل این موضوع را می توان گفت که بنای ابن اثیر بر جمع آوری چهار کتاب صحابه نگار، یعنی: ابن منده، ابونعیم، ابن عبدالبر و ابوموسی مدینی<sup>۵</sup> محمد بن عمر اصفهانی (۵۰۱ - ۵۸۱) و نیز برای تکمیل موارد برخی از ذیل های ابن عبدالبر بوده است. از این رو، باید اسد الغابه را مستدرکی بر این چند کتاب تلقی کرد و اگر هم از برخی کتب دیگر نیز نام برده، غالباً از طریق ابوموسی مدینی بوده است.

از میان صحابه نگاران متأخر، بیش از همه، ابن فتحون در مستدرک خود بر الاستیعاب و نیز ابن حجر در الاصابه، نزدیک به ۲۷۵ مورد از کتاب باوردی بهره برده اند. البته منبع ابن حجر در موارد بسیاری نیز به ابن فتحون باز می گردد و این بدان معنا نیست که نسخه باوردی نزد ابن حجر نبوده است؛ بلکه وی به وجود چنین نسخه ای از کتاب باوردی تصریح کرده است.<sup>۶</sup> در یک مورد دیگر گوید: «و لم أره فی حرف الباء من کتاب البوردی.»<sup>۷</sup>

۱. همان، ج ۱، ص ۵۶۹.

۲. همان، ج ۵، ص ۱۴۸.

۳. ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۵۹۷، مدخل «ابوالاسود البهزی»؛ همان، ج ۶، ص ۱۶۶۶، مدخل «ابوالسائب الانصاری».

۴. برای نمونه، ر.ک: مغلطای، اکمال تهذیب الکیمال فی اسماء الرجال، ج ۲، ص ۱۲، ۱۳۰، ۱۶، ۲۱۵، ۲۵۷، ۲۸۹.

۵. منسوب به مدینه جی. (سمعانی، ذیل المدینی).

۶. ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۱، ص ۱۷.

۷. ر.ک: همان، ص ۴۱۷.

بررسی ۲۷۵ مورد، ثابت می‌کند که باوردی برخلاف برخی دیگر از صحابه‌نگاران، از حیث سند و تصحیفات گوناگون، کمتر به خطا و اشتباه گرفتار شده است و البته این حجر که غالب نقل‌های باوردی از طریق اوست، بنا بر رویه خود در نقد صحابه‌نگاران پیشگام، در خصوص باوردی نیز مواردی را به نقد کشیده است. این نقدها عبارت است از: ارسال روایت و در نتیجه توهم صحابی بودن تابعی<sup>۱</sup>، تصحیفات<sup>۲</sup> و ضعف سند<sup>۳</sup>. درباره صغار صحابه مطلبی دارد که گویا صحابی بودن این گروه، همیشه میان صحابه‌نگاران کهن اختلافی بوده است.<sup>۴</sup>

## ۲. معجم الصحابة بَغْوِي (د. ۳۱۷)<sup>۵</sup>

ابوالقاسم عبدالله بن محمد بن عبدالعزیز بن مرزبان بن شاپور بن شاهنشاه، وی سبط حافظ احمد بن منیع (د. ۲۴۴) است که بدین مناسبت، بغوی را ابن منیع نیز گویند. وی ایرانی تبار و آن گونه که خود گفته، از «بغاه» قریه‌ای از خراسان<sup>۱</sup> و یا «بَغ» یا «بَغشور» شهری از شهرهای خراسان بین هرات و مرو رود بوده است.<sup>۲</sup> سمعانی گوید: «من چندین بار وارد این شهر شدم؛ اما یاقوت که در سال ۶۱۶ از آن شهر دیدن کرده، آن را رو به ویرانی وصف کرده است.»<sup>۳</sup> بغوی در سن ۱۰۴ سالگی<sup>۴</sup> در شب فطر سال ۳۱۷ از دنیا رفت و در باب التین بغداد به خاک سپرده شد.

<sup>۱</sup>. برای نمونه، رک: همان، ص ۳۷۱ و ۵۷۱.

<sup>۲</sup>. برای نمونه، رک: همان، ص ۴۷۷؛ همان، ج ۲، ص ۳۰۷ و ۳۱۹.

<sup>۳</sup>. برای نمونه، رک: همان، ج ۱، ص ۵۹۵ و ۶۰۹؛ همان، ج ۵، ص ۲۰۸ و ۲۷۴؛ همان، ج ۸، ص ۵۴.

<sup>۴</sup>. همان، ج ۱، ص ۳۲۶.

<sup>۵</sup>. برای دیدن شرح حال او، رک: ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۸۸؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۱۱۰؛ ابن کثیر، البداية و النهاية، ج ۱۱، ص ۱۸۵؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۴، ص ۴۴۰؛ ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ۳، ص ۳۳۸؛ ابن خلکان، وفيات الاعیان و انباء انباء الزمان، ج ۱۷، ص ۲۵۹؛ زرکلی، اعلام، ج ۴، ص ۱۱۹؛ کحاله، معجم المؤلفین، ج ۶، ص ۱۲۶؛ مقدمه دکتر محمد امین بن محمد محمود بر معجم الصحابة بغوی. این بغوی، غیر از بغوی ابومحمد حسین بن مسعود فراه (م ۵۱۶) مؤلف کتاب مشهور الجمع بین الصحیحین و مصابیح السنة است.

<sup>۶</sup>. مغلطای، اکمال تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، ج ۱، ص ۱۴۷.

<sup>۷</sup>. رک: سمعانی، الانساب، ج ۱، ص ۳۷۴؛ حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۶۸.

<sup>۸</sup>. همان دو.

<sup>۹</sup>. چنان‌که جد مادری اش، احمد بن منیع نیز در سن ۸۴ سالگی از دنیا رفت. (رک: ذهبی، تجرید اسماء الصحابة،

از کتاب او به معجم الصحابة یا معرفة الصحابة یا المعجم الكبير للصحابة یا المعجم الصحابة الكبير نام برده شده است.<sup>۱</sup> برخی دیگر از آثار او، عبارت‌اند از: فضائل الصحابة،<sup>۲</sup> کتاب المسند، کتاب السنن علی مذاهب الفقهاء، الجعديات، المؤلف والمختلف جزء البغوی.<sup>۳</sup>

کتاب او به عنوان یکی از منابع مهم و مرجع صحابه‌نگاران، همیشه مورد توجه بوده و بسیاری از صحابه‌نگاران مانند: جعابی، اسماعیلی، ابن شاهین، دارقطنی، ابن قانع، طبرانی و ابن عدی، از او بهره برده‌اند؛ به‌خصوص این کتاب، یکی از منابع مهم ابونعیم در معرفة الصحابة و ابن عبدالبر در الاستیعاب فی معرفة الاصحاب بوده است. تنها ابن شاهین، از بغوی ۷۰۰ یا ۸۰۰ جزء داشته است.<sup>۴</sup> اهمیت دیگر کتاب، از جهت منابع مورد استفاده او نیز هست که شماری از آنها، اینک از بین رفته و معجم الصحابة، واسطه ما و آن منابع مفقود است؛ مانند مغازی یحیی بن سعید اموی و مغازی موسی بن عقبه.<sup>۵</sup> معجم الصحابة، شامل سی جزء بوده که نسخه موجود ناقص است و آن‌گونه که محقق کتاب بیان کرده، کتاب موجود، تنها دارای دو بخش دهم و یازدهم است که این دو، شامل سی جزء بوده است؛ اما جزء ۱۸، ۱۹، ۲۰ و نیز بخش زیادی از جزء ۲۵ و جزء کامل ۲۶ تا ۳۰ را ندارد. نقصان کتاب موجود، فقط از این ناحیه نیست؛ بلکه در متن نیز نواقص قابل توجهی وجود دارد که محقق کتاب در مقدمه بیان نموده و با کم‌کم منابع دیگری چون الاصابة تلاش بسیاری کرده تا نواقص آن رفع شود.<sup>۶</sup>

با وجود این همه نواقص، کتاب در پنج جلد به چاپ رسیده است. در این پنج جلد، از حرف «الف» تا حرف «نون» (نابغة بن جعدة)، مجموع اصحابی را که نام برده، ۱۰۳۸ نفرند. ترتیب کتاب، بر اساس حروف الفباست.<sup>۷</sup> اسامی از «ابی» شروع شده و به «عبدالرحمن بن سهل» خاتمه یافته است؛ اما پس از آن، شرح حال افرادی آمده که نامشان «محمد» است.

<sup>۱</sup>. باشا، هدیة العارفين، ج ۱، ص ۴۴۴.

<sup>۲</sup>. حاجی خلیفه، كشف الظنون، ج ۲، ص ۲۷۶.

<sup>۳</sup>. رک: مغلطای، اکمال التهذیب، ج ۱، ص ۱۸۸؛ حاجی خلیفه، كشف الظنون، ج ۱، ص ۵۸۶.

<sup>۴</sup>. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۲۶۸؛ ذهبی، تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۹۸۷.

<sup>۵</sup>. عبدالله بن محمد بغوی، معجم الصحابة، ج ۴، ص ۱۱۴.

<sup>۶</sup>. همان، ج ۱، ص ۳۵.

<sup>۷</sup>. همان، ص ۳۸ - ۴۰.

<sup>۸</sup>. همان، ص ۳۶.

در جلد ۵، اسامی صحابه از «قیس» شروع شده و با «مرثد بن عدی طائی» پایان یافته است.

### سبک‌شناسی معجم الصحابة

بغوی، از صحابه‌نگاران مکتب حدیثی است؛ یعنی حدیث در معرفی و اثبات صحابی، رکن اصلی را دارد. سبک حدیث‌نگاری، در این کتاب کاملاً مشهود است و عناوین هر باب را با «ذکر من روی عن النبی ﷺ» آغاز می‌کند. بغوی برخی از صحابه را که راوی هم بوده‌اند، آورده است؛ اما بدون کوچک‌ترین اشاره به حدیث این افراد، با جمله «روی عن النبی حدیثاً» مطلب دیگری بی‌ان نکرده است.<sup>۱</sup> البته این روش، به عنوان یکی از نواقص اصلی صحابه‌نگاری‌های حدیثی مطرح است.

این موضوع، بدان معنا نیست که بغوی در تعریف و اثبات صحابی، روایت را تنها شرط لازم دانسته است؛ بلکه او نیز مانند بیشتر صحابه‌نگاران، رؤیت (دیدن پیامبر ﷺ) را تنها ملاک صحابی بودن و تعریف آن دانسته است؛ اما مشکل و بلکه ایراد اساسی، نه تنها بر بغوی، بلکه بر دیگر صحابه‌نگاران نیز، اثبات حداقلی موضوع (صحابه بودن)، یعنی رؤیت است. بغوی، افرادی بسیاری را در شمار صحابه نام برده؛ ولی هیچ مدرکی برای اثبات صحابی بودن آنان ارائه نداده است؛ افرادی مانند «عبدالله بن قیس بن خلد» و «عبدالله بن کعب بن عمرو بن مبدول».<sup>۲</sup>

فراتر از این، بغوی به استناد روایت‌های مرسله، جمعی از تابعین را در شمار صحابه نام برده است. محقق کتاب برای توجیه این ضعف بغوی، به عملکرد صحابه‌نگاران پیش از او، چون: ابن شاهین، باوردی و مطین، تمسک کرده که بر اساس همین توهّم، گروهی از تابعین را صحابی پنداشته‌اند.<sup>۳</sup>

صرف نظر از اینکه چنین پاسخی، جز ادعان به گسترده بودن این اشتباه در میان صحابه‌نگاران نیست، این بدان معناست که بغوی متوجه مرسله بودن این روایات نشده است؛ زیرا روش بغوی، چنین است که روایاتی را که دارای اشکال و ایراد بوده‌اند - چه از حیث تضعیف راویان و چه ارسال سند و دیگر موارد ضعف - به نقد کشیده است.<sup>۴</sup> وی بر

<sup>۱</sup>. برای نمونه، رک: همان، ج ۴، ص ۴۷ - ۴۹.

<sup>۲</sup>. همان، ج ۳، ص ۳۰۴ و ۳۰۷؛ همان، ج ۴، ص ۱۱۱.

<sup>۳</sup>. همان، ج ۱، ص ۴۵.

<sup>۴</sup>. برای نمونه، رک: همان، ج ۲، ص ۸۱ و ۶۳؛ همان، ج ۳، ص ۳۶۹؛ همان، ج ۴، ص ۲۲۴، ۲۲۸ و ۴۳۰؛ همان، ج ۵، ص ۱۸، ۴۴۱، ۴۴۲ و ۴۴۴.

اساس همین نگاه‌های دقیق و نقادانه خود به سند، در مواردی، صحابی بودن فردی را که از طریق روایتی اثبات شده، رد نموده و یا در آن تشکیک کرده است؛ برای نمونه، می‌توان به: حارث بن عبدالله بن ربیع<sup>۱</sup>، خالد بن عبدالله بن حرمله<sup>۲</sup>، شیل بن معبد<sup>۳</sup>، عبدالله بن بسر حمصی<sup>۴</sup>، قیس بن خارجه<sup>۵</sup> و مالک بن یسار سکونی<sup>۶</sup> اشاره کرد.

سخن درباره نقد و بررسی معجم الصحابة بغوی، بیش از این مطالب است؛ اما به همین مقدار بسنده می‌شود. سخن آخر درباره سبک شناسی بغوی اینکه از حیث مکتب‌های صحابه‌نگاری، وی از صحابه‌نگاران مکتب تاریخی نیست؛ بلکه از دسته مکتب کلامی است. بر اساس این مکتب، صحابه‌نگار نباید به مثالب و عیب‌ها و اعمال زشت صحابه بپردازد و آنها را بازگو کند. از همین رو، گرایش کلامی خود را ذیل معلویه به‌خوبی نشان داده<sup>۷</sup> و همین روش را ذیل مغیره بن شعبه پی گرفته است.<sup>۸</sup>

### ۳. معرفة الصحابة ابن منده اصفهانی (د. ۳۵۹)

ابوعبدالله محمد بن اسحاق بن یحیی بن منده اصفهانی؛ خاندان ابن منده، یکی از برجسته‌ترین خاندان علمی در اصفهان هستند که بیش از دو قرن منشأ خدمات ارزنده‌ای در علوم حدیث، تفسیر، فقه و تاریخ بوده‌اند. بزرگ‌ترین شخصیت علمی این خاندان، ابوعبدالله ابن منده است که علمای بزرگ اهل سنت چون ذهبی و دیگران، با تعابیر بسیار بلندی از او یاد کرده‌اند. ذهبی درباره او می‌نویسد: «برای کسب حدیث و علم به مناطق مختلف جهان اسلام سیر کرد و هزار و هفتصد شیخ و استاد را دید و هر چه بود، جمع کرد؛ به طوری که هیچ‌کس در میان این امت پیدا نشده که به اندازه ایشان علوم و حدیث را جمع کرده باشد. چون از سفر بازگشت، کتاب‌های او چهل بار بود.»<sup>۹</sup>

<sup>۱</sup>. همان، ج ۲، ص ۸۹ و ۱۲۹.

<sup>۲</sup>. همان، ص ۲۴۳.

<sup>۳</sup>. همان، ج ۳، ص ۳۲۸.

<sup>۴</sup>. همان، ج ۴، ص ۱۷۵.

<sup>۵</sup>. همان، ج ۵، ص ۲۴.

<sup>۶</sup>. همان، ص ۲۳۵.

<sup>۷</sup>. همان، ص ۳۶۳ - ۳۷۸.

<sup>۸</sup>. همان، ص ۳۹۸ - ۴۰۳.

<sup>۹</sup>. خطیب بغدادی، الرحلة فی طلب الحدیث، ص ۸۹.



ذهبی از او در میان علما، به نقطه پایان «وکان ختام» تعبیر کرده است.<sup>۱</sup> بی‌شک، با توجه به جایگاه علمی و قدمت ابن منده، کتاب صحابه‌نگاری او، یکی از متن‌های قابل توجه در این دانش است و به همین دلیل، بسیار مورد توجه صحابه‌نگاران قرار گرفته است. متأسفانه، متن کاملی از کتاب ابن منده موجود نیست. بر اساس آنچه شبیانی آورده، تنها دو نسخه از این کتاب در ظاهریه قاهره و بغداد موجود است.<sup>۲</sup> این دو نسخه نیز ناقص بوده و تنها چهار قطعه از کتاب ابن منده است و عامر حسن صبری، توضیحاتی در این باره داده است.<sup>۳</sup> همچنین، بخشی از کتاب ابن منده با نام «کراسه من کتاب معرفة الصحابة» در کتابخانه ظاهریه به شماره ۴۴۴۳ (۲۲ق) وجود دارد.<sup>۴</sup>

کتاب ابن منده، به یقین تا قرن هشتم موجود و مورد استفاده بوده است؛ زیرا ذهبی این کتاب را با عنوان *المنتقى من معرفة الصحاب لابن منده*<sup>۵</sup> خلاصه کرده است که می‌تواند منبع دیگری برای شناخت صحیح و کامل کتاب ابن منده باشد.

مهم‌ترین منابعی که برای دریافت صحیحی از متن کامل آن می‌توان نام برد، دو کتاب *معجم الصحابة ابونعیم و اسد الغابة ابن اثیر* است. کتاب ابونعیم، به دلیل هدف نویسنده که نقد کتاب ابن منده بوده، بسیار مهم است و می‌توان گفت که *معرفة الصحابة ابونعیم*، همان کتاب *معجم الصحابة ابن منده* است؛ با این توضیح که ابونعیم، نقدهای خود را بر آن افزوده است. کتاب دیگری که ذیل بر ابن منده نوشته شده، *اسماء الصحابة<sup>۶</sup> یا ذیل (تنمة) معرفة الصحابة<sup>۷</sup>* تألیف ابوموسی مدینی محمد بن عمر اصفهانی (۵۰۱ - ۵۸۱)، از صحابه‌نگاران مشهور قرن ششم است. متأسفانه، این کتاب موجود نیست. این ذیل، یکی از مشهورترین و گسترده‌ترین ذیل‌هایی است که بر صحابه‌نگاری‌های پیشین نوشته شده و مورد استفاده و استناد فراوان ابن اثیر در *اسد الغابة* بوده است. وی در ابتدای هر مدخلی، با علامت (س) به ابوموسی مدینی اشاره کرده است.

۱. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۲۷، ص ۳۲۳.

۲. شبیانی، معجم ما الف عن الصحابة، ص ۲۱۹.

۳. ر.ک: ابن منده، معرفة الصحابة، تحقیق: عامر حسن صبری، بیروت: دار البشائر الاسلامية، ۱۴۲۵.

۴. شبیانی، معجم ما الف عن الصحابة، ص ۱۹۲.

۵. همان، ص ۲۲۹.

۶. همان، ص ۴۳.

۷. ابن اثیر، اسد الغابة، ج ۵، ص ۲۰۷؛ ذهبی، تجرید اسماء الصحابة، ج ۱، مقدمه ص ب: العینی، عمدة القاری فی

شرح البخاری، ج ۲۸، ص ۲۸.

مجموع اسامی نام برده شده در *السد الغایة* به نقل از ابن منده، ۳۵۵۳ مدخل است. از فهرستی که ابن اثیر از کتاب ابن منده ارائه داده، معلوم می‌شود که بخشی از فهرست صحابه، به مبهمات اختصاص داشته است؛ یعنی همان بخشی که ابن حجر وعده آن را در کتاب *الاصابة* داده؛ ولی موجود نیست و یا ننوشته است.

### ۴. کتاب الصحابة ابن شاهین (۲۹۷ - ۳۸۵)

ابو حفص عمر بن احمد بن عثمان، آن گونه که خود گفته، در اصل از مرو رود خراسان است. یازده ساله (۳۰۸) بود که به نوشتن حدیث مشغول شد و سه نفر از مشایخ او، از جمله بغوی نیز در همین سن حدیث نوشته‌اند.<sup>۱</sup> به شام و بصره (سال ۳۳۲) و ایران سفر کرد. او به گفته خودش، ۳۳۰ کتاب نوشته که تنها تفسیر کبیر او، هزار جزء و مسندش، ۱۳۰۰ جزء و تاریخش، ۱۵۰ جزء بوده است و تنها از بغوی، ۷۰۰ یا ۸۰۰ جزء داشته است. حافظه او چنان بوده که یک بار وقتی کتاب‌هایش از بین رفت، ۲۰ یا ۳۰ هزار حدیث را دو باره از حفظ نوشت؛ با این حال، او فقه نمی‌دانست و چون از مذهب شافعی و دیگران نزد او سخن به میان می‌آمد، می‌گفت: «من محمدی المذهب هستم.» ابن شاهین، در ۱۱ و یا ۱۲ ذی‌حجه سال ۳۸۵ و چند روز پس از مرگ دار قطنی، درگذشت و در کنار احمد بن حنبل در بغداد دفن شد.

صحابه‌نگاری او، یکی از مشهورترین منابع صحابه‌نگاران بوده است. ابن حجر به صراحت بیان داشته که نه تنها کتاب *الصحابة* ابن شاهین را داشته،<sup>۲</sup> بلکه نسخه‌ای قدیمی از آن نزد او بوده است.<sup>۳</sup> ترتیب این کتاب، بر اساس اسامی صحابه و به ترتیب حروف معجم بوده است.

روش‌شناسی ابن شاهین در صحابه‌نگاری، قابل توجه است. در این مختصر، تنها به این نکته اشاره می‌شود که حدیث و تبارشناسی برای اثبات و شناخت صحابه، دو ابزار بسیار مهم نزد ابن شاهین بوده است و در این خصوص، بارها ابن اثیر و ابن حجر به سخن ابن

۱. خطیب و ابن جوزی، پس از نقل این مطلب، درباره خود گفته‌اند که آنان نیز در همین سن، حدیث نوشتن را آغاز کرده‌اند.

۲. «ذکره ابن شاهین فی آخر حرف العین المعجمة من کتاب الصحابة و رایته مضبوطاً.» (ر.ک: ابن حجر عسقلانی، *الاصابة*، ج ۵، ص ۲۶۵)

۳. همان، ج ۱، ص ۷۰۷؛ همان، ج ۵، ص ۴۲۵.

شاهین استناد کرده‌اند.<sup>۱</sup> حتی جایگاه ابن شاهین در دانش تبارشناسی صحابه از چنان اعتباری برخوردار بوده که ابن اثیر او را در کنار نسب‌شناس بزرگ عرب، یعنی هشام کلبی قرار داده است.<sup>۲</sup>

کتاب *الصحابة* ابن شاهین در موضوع دانش صحابه‌نگاری، در مقایسه با صحابه‌نگاری‌های تدوین‌یافته تا عصر وی، در نوع خود، یکی از گسترده‌ترین و کم‌نظیرترین تألیفات در این زمینه بوده و در صحابه‌نگاری‌های بعدی، نقش اساسی داشته است.

مهم‌ترین منبعی که بیشترین مطالب خود را از کتاب ابن شاهین برگرفته، کتاب *ذیل ابوموسی مدینی بر کتاب ابن منده* است. شاید کمتر موردی را بتوان یافت که ابوموسی از کتاب ابن شاهین نام نبرده باشد.<sup>۳</sup> از صحابه‌نگاران مشهور دیگری که به ابن شاهین استناد کرده‌اند، ابن عبدالبر اندلسی<sup>۴</sup> و ابن فتحون<sup>۵</sup> و از همه کاملتر، ابن اثیر و ابن حجر است.

#### ۵. *معرفة الصحابة ابونعیم اصبهانی، احمد بن عبدالله (د. ۴۳۰)*

ابونعیم، صحابه‌نگار مشهور اصفهانی است. کتاب او، از منابع صحابه‌شناسی مهم و مرجع به شمار می‌رود که البته آن را در رد و نقد *معرفة الصحابة* ابن منده نوشته است. نقد ابونعیم، ریشه در نزاع‌هایی دارد که این دو همشهری با هم داشته‌اند. ذہبی از این موضوع با اشاره گذشته و بیان می‌کند که خوش ندارد آنچه را ابن منده به ابونعیم گفته و یا برعکس، بیان کند؛ ولی از مطالب ذہبی برمی‌آید که هریک به دیگری تهمت رافضی بودن زده است. شاید از همین روست که ابونعیم هیچ‌گاه به نام او تصریح نکرده و با عبارت مبهم «بعض المتأخرین» از او یاد می‌نماید.

ابن حجر، ضمن اشاره به برخی از نقدهای ابونعیم بر ابن منده، می‌نویسد: «ابونعیم

<sup>۱</sup>. برای نمونه، رک: ابن اثیر، *اسد الغابة*، ج ۱، ص ۲۷۹؛ همان، ج ۲، ص ۱۹۰؛ همان، ج ۳، ص ۲۰۱؛ همان، ج ۴، ص ۵۲۱؛ ابن حجر عسقلانی، *الاصابة*، ج ۱، ص ۲۸۰؛ همان، ج ۲، ص ۱۶۸؛ همان، ج ۳، ص ۹۹؛ همان، ج ۵، ص ۲۱۷؛ همان، ج ۶، ص ۲۸۹.

<sup>۲</sup>. ابن اثیر، *اسد الغابة*، ج ۱، ص ۵۰۸.

<sup>۳</sup>. همان، ص ۴۷۶؛ همان، ج ۲، ص ۱۰۳.

<sup>۴</sup>. برای نمونه، رک: ابن اثیر، *اسد الغابة*، ج ۲، ص ۲۹۲؛ ابن حجر عسقلانی، *الاصابة*، ج ۱، ص ۵۰۳؛ همان، ج ۲، ص ۱۹.

<sup>۵</sup>. برای نمونه، رک: ابن حجر عسقلانی، *الاصابة*، ج ۱، ص ۱۷۳، ۲۴۴، ۵۶۵ و ۶۹۶.

<sup>۶</sup>. ذہبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱، ص ۵۹.

لا يزال ينسب الى ابن مندة إلى الغلط فيصيب في ذلك تارة و يخطيء تارة و لو سلم من التحامل عليه لكان غالب ما يتعقبه به صواباً.<sup>۱</sup> این تخاصم و تهمت رافضی، شاید ناظر به جو سیاسی آن دوره بوده که مکتب اعتزال در عراق و عجم از جمله در اصفهان، رشد چشمگیری داشته است. یحیی بن منده در تاریخ اصفهان گوید: «عمویم عبدالرحمن مدت‌ها نزد ابو عبدالله باوردی، عبدالله بن محمد بن عقیل می‌رفت که به مکتب اعتزال به شدت علاقه و گرایش داشت. در این مدت، او دو جزء حدیث از باوردی نوشت؛ اما وقتی از او شنید که هرکس مذهب اعتزال را نداشته باشد، مسلمان نیست، آن دو جزء را پاره کرد و از بین برد.»<sup>۲</sup> ذهبی در ادامه گوید: «كان الاعتزال في زمانه فاشيا بالعراق والعجم.»<sup>۳</sup> این مطلب می‌تواند پنجره‌ای باشد برای اینکه چرا ابونعیم به رافضی بودن متهم می‌شده است. ابونعیم علاوه بر معجم الصحابة، کتاب دیگری با نام فضائل الصحابة دارد.<sup>۴</sup>

چنان‌که بیان شد، معجم الصحابة، ناظر و نقد بر کتاب ابن منده بوده و از مشهورترین کتاب‌هایی است که درباره شناخت اصحاب رسول خدا ﷺ نوشته شده و در آن از ۱۴۰۲ نفر نام برده شده است. وی در ابتدا به ۱۷ بحث کلی در خصوص شناخت صحابه پرداخته است. کتاب وی، یکی از منابع مهم و مورد استناد صحابه‌نگاران بعدی بوده و با توجه به دلایل مختلف، می‌توان گفت کتاب معرفة الصحابه ابونعیم، سرآغاز نگاهی نو به دانش صحابه‌نگاری است که پیش از او، تنها از نگاه حدیثی به این حوزه نگریسته می‌شد. وی با اشکالات متعددی که بر روش صحابه‌نگاران پیشین خود چون ابن قانع و خلیفه گرفت، به نقد و بررسی این دانش پرداخت. وی برای بیان دیدگاه‌ها و روش خویش، کتاب معرفة الصحابه ابن منده اصفهانی، همشهری خود را موضوع کار خود قرار داد. وی بدون اینکه حتی یک بار از ابن منده نام ببرد، بارها با تعبیر «المتأخر» و یا «بعضی المتأخرین»<sup>۵</sup> دیدگاه‌های او را به نقد کشید. ابن حجر تصریح می‌کند که منظور او از این عبارت، ابن منده است.<sup>۶</sup>

ابن حجر، ضمن اشاره به برخی از نقدهای ابونعیم بر ابن منده، می‌گوید: «ابونعیم پیوسته ابن منده را به اشتباه‌کاری متهم کرده که البته گاه نظر و نقد او، صحیح و گاه اشتباه

<sup>۱</sup>. ابن حجر عسقلانی، الاصابة، ج ۷، ص ۳۱۶.

<sup>۲</sup>. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۲۸، ص ۳۷۵.

<sup>۳</sup>. کتابی، الرسالة المستطرفة لبیان مشهور کتب السنة المشرفة، ص ۵۸.

<sup>۴</sup>. ابونعیم اصفهانی، معرفة الصحابة، ج ۵، ص ۲۵۹۲، ۲۶۸۵ و ۲۸۴۶.

<sup>۵</sup>. ابن حجر عسقلانی، الاصابة، ج ۷، ص ۳۱۶.

بوده است؛ اما غالباً نقدهای وی بر ابن منده، صحیح بوده است.<sup>۱</sup> ابونعیم سعی دارد تا اشتباهات ابن منده را برطرف کند و از این رو، راه‌های مختلفی را طی نموده است. وی در یک جا پس از بیان علل و اسباب خطاها، بیان دقیق و ظریفی دارد و می‌نویسد: «تصور صحابی بودن تمام این افراد، تنها بر اساس این روایات موهوم و بی‌اساس بوده و تنها کسانی به این روایات اهمیت می‌دهند که هدفشان زیاد کردن شمار صحابه رسول خدا ﷺ و مباحثات به آنان است.»<sup>۲</sup>

بحث درباره کتاب ابونعیم و نقش او در دانش صحابه‌نگاری، دامنه گسترده‌تری دارد و مجال دیگری می‌طلبد؛ چنان‌که گذشت، ابوموسی مدینی کتاب *اسماء الصحابة*<sup>۳</sup> یا *فیلی (تتمة) معرفة الصحابة*<sup>۴</sup> را مستدرک و ذیلی بر کتاب ابن منده اصفهانی و ناظر بر کتاب ابونعیم اصفهانی نوشت.

### نتیجه

دانش صحابه‌نگاری که با سیره‌نگاری آغاز و رشد کرد، هرچند خاستگاه اولیه آن، مدینه بود، اما پس از فتوحات و توسعه خلافت در شرق و غرب، توجه به صحابه رسول خدا ﷺ و شناخت آنان، به دلایل مختلف در کانون توجه نویسندگان و علمای جهان اسلام قرار گرفت.

بر اساس منابع فراوان، ایرانیان نقش کلیدی و مهمی را در تدوین و تطوّر منابع اصلی صحابه‌نگاری تا چندین قرن در دست داشتند و با تألیف ده‌ها کتاب درباره صحابه رسول خدا ﷺ، منابع اصلی و مهم صحابه‌نگاران متأخر را فراهم کردند. علمای خراسان و اصفهان، بیشترین سهم در تألیف صحابه‌نگاری در میان ایرانیان را دارند. از نظر ساختار و سبک‌شناسی و مکاتب صحابه‌نگاری، ایرانیان ساختار حدیثی، و از حیث محتوا، مکتب کلامی را برگزیدند که دارای مزایا و نواقصی است.

<sup>۱</sup>. همان.

<sup>۲</sup>. ابونعیم اصفهانی، *معرفة الصحابة*، ج ۷، ص ۱.

<sup>۳</sup>. شیانی، *معجم ما الف عن الصحابة*، ص ۴۳.

<sup>۴</sup>. ابن اثیر، *اسد الغابة*، ج ۵، ص ۲۰۷.

## منابع

- ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم (١٤١٥)، *اسدالغابة فی معرفة الصحابة*، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت: دار الکتب العلمية.
- (١٣٩٩ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (١٤١٢)، *المنتظم فی تاریخ الامم والملوک*، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمية.
- ابن حبان، محمد (١٣٩٣ق)، *کتاب الثقات*، بیروت: افسست از چاپ حیدر آباد دکن.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (١٤١٥)، *الاصابة فی تمییز الصحابة*، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت: دار الکتب العلمية.
- (١٤٠٤)، *تهذیب التهذیب*، بیروت: دار الفکر.
- (١٣٩٠ق)، *لسان المیزان*، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- ابن خلکان، احمد بن محمد (١٣٦٤ش)، *وفیات الاعیان و انباء انباء الزمان*، تحقیق: احسان عباس، قم: منشورات الرضی.
- ابن صلاح شهرزوری، عثمان بن عبدالرحمن (١٤١٦)، *مقدمه ابن صلاح فی علوم الحدیث*، تحقیق: ابو عبدالرحمن صلاح بن محمد بن عویض، بیروت: دار الکتب العلمية.
- ابن عبدالبر اندلسی، یوسف بن عبدالله (١٤١٥)، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمية.
- ابن کثیر، اسماعیل (١٤٠٨)، *البداية والنهاية*، بیروت: دار الفکر.
- ابن ناصرالدین، محمد بن عبدالله قیسی دمشقی (١٤١٤)، *توضیح المشتبه فی ضبط اسماء الرواه و انسابهم و قابهم و کناهم*، تحقیق: محمد نعیم العرقسوسی، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- ابن النجار بغدادی، محمد بن محمود (١٤١٧)، *ذیل تاریخ بغداد*، تحقیق: مصطفی عبدالقادر یحیی، بیروت: دار الکتب العلمية.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (بی تا)، *الفهرست*، تحقیق: رضا تجدد، تهران: [بی نا].
- ابوالشیخ الانصاری، محمد بن جعفر بن حیان (١٤١٢)، *طبقات المحدثین باصبهان و الواردین علیها*، تحقیق: عبدالغفور عبدالحق حسین البلوشی، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (١٤١٩)، *معرفة الصحابة*، تحقیق: عادل بن یوسف

العزازی، ریاض: دار الوطن.

— (۱۹۳۴م)، ذکر اخبار اصیهان، لیدن: بی‌نا.

الیان سرکیس، یوسف (۱۴۱۰)، معجم المطبوعات العربية، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.

باشا البغدادي، اسماعيل (بی‌تا)، هدية العارفين، بيروت: دار إحياء التراث العربي.

بنغوی، عبدالله بن محمد (۱۴۲۱)، معجم الصحابة، تحقیق: محمد الامین بن محمد محمود احمد الجکني، المدينة المنورة و الكويت: مكتبة دار البيان.

حاجی خلیفه (بی‌تا)، كشف الظنون، بيروت: دار إحياء التراث العربي.

حلبی، علی بن برهان الدین (۱۴۰۰)، السيرة الحلبية، بيروت: دار المعرفة.

حموی، یاقوت (۱۳۹۹ق)، معجم البلدان، بيروت: دار إحياء التراث العربي.

خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷)، تاریخ بغداد او مدينة السلام، تحقیق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية.

— (۱۳۹۵ق)، الرحلة في طلب الحديث، تحقیق: نورالدين عتر، بيروت: دار الكتب العلمية.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲ش)، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.  
ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۰۷)، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بيروت: دار الكتاب العربي.

— (بی‌تا)، تجريد اسماء الصحابة، بيروت: دار المعرفة.

— (بی‌تا)، تذكرة الحفاظ، بيروت: دار إحياء التراث العربي.

— (۱۴۱۰)، سير اعلام النبلاء، تحقیق: شعيب الارنؤوط، [بی‌جا]: مؤسسة الرسالة.

زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۰م)، الأعلام، بيروت: دار العلم للملايين.

سمعانی، عبدالکریم بن محمد (۱۴۰۸)، الانساب، تحقیق: عبدالله عمر البارودي، بيروت: دار الجنان.

سهمی، حمزة بن يوسف (۱۴۰۷)، تاریخ جرجان، بيروت: عالم الكتب.

شبیانی، محمد ابراهیم (۱۴۱۴)، معجم ما لوف عن الصحابة وامهات المؤمنین و

آل البيت (رضی الله عنهم)، کویت: مركز المخطوطات و التراث و الوثائق.

صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۷)، الأمالی، قم: مؤسسة البعثة.

## ٣٠٨ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال هفتم، شماره ١٤، پاییز و زمستان ١٣٩٨

- (بی تا)، التوحید، تحقیق: سید هاشم حسینی تهرانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- (١٤٠٣)، النخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- (١٣٨٥ق)، علل الشرایع، تحقیق: سید محمد صادق بحر العلوم، نجف: المكتبة الحیدریة.
- (١٤٠٤)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق: حسین اعلمی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- (١٣٦١ش)، معانی الاخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- صفدی، خلیل بن ایبک (١٤٢٠)، الوافی بالوفیات، تحقیق: احمد الأرنؤوط و ترکی مصطفی، بیروت: دار احیاء التراث.
- طوسی، محمد بن حسن (١٤١٤)، الفهرست، تحقیق: شیخ جواد القیومی، مؤسسه النشر الفقاهة.
- العینی، محمود بن احمد (بی تا)، عمدة القاری فی شرح البخاری، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- کتانی، السید شریف محمد بن جعفر (١٤١٤)، الرسالة المستطرفة لبيان مشهور كتب السنة المشرفة، بیروت: دار البشائر الاسلامیه.
- کحاله، عمر رضا (بی تا)، معجم المؤلفین، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مزّی، یوسف بن عبدالرحمن (١٤٠٤)، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، تحقیق: بشّار عواد معروف، بیروت: مؤسسه الرسالة.
- مغلطای بن قلیچ (١٤٢٢)، اکمال تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، تحقیق: عادل بن محمد أسام بن ابراهیم، قاهره: الفاروق الحدیثة.
- نجاشی، احمد بن علی (١٤١٦)، رجال النجاشی، تحقیق: موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- واقدی، محمد بن عمر (١٤٠٩)، المعازی، تحقیق: مارسدن جونس، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- هدایت پناه، محمدرضا (١٣٩٢)، «امویان، مبلغان تقابل صحابه و اهل بیت علیهم السلام»، فصلنامه شیعه شناسی، شماره ٤١، بهار.